



حج در ادیان

برگرفته از دائرة المعارف ترکیه / قدیری تلیک

زیارت اماکن مقدس، با انگیزه الهی یا قصد قربت، یکی از ارکان پنجگانه در اسلام است.

واژه «حج» در زبان عبری «حگک» است؛ به معنای عید. این واژه از ریشه «ح» و «گ» به معنای «پیرامون چیزی گشتن و طواف کردن» است.

حج یا حگک، از تعابیر قدیمی زبان سامی بوده و غیر از زبان عبری، در زبان‌های آرامی و صائبی نیز وجود داشته است. معنای اصلی این لغت، پیرامون چیزی طواف کردن و دور زدن و حلقه‌وار اطراف آن را گرفتن است.

حج، در زبان عربی به معنای رفتن، رو آوردن و زیارت کردن است و در اصطلاح

فقهی، به مجموعه‌ای از اعمال و مناسک گفته می‌شود که مسلمان مستطیع باید در زمان معین به‌جا آورد. این اعمال شامل زیارت کعبه، عرفات، مزدلفه، منا و انجام وظایف عبادی خاص در این مکان‌ها است. کسانی که این عبادت را انجام می‌دهند، در عربی «حاج» (جمع؛ حجاج) و در ترکی «حاجی» نامیده می‌شود.

حج در ادیان پیش از اسلام در اصل حج، باور و اعتقاد به «تجلی الوهیت در یک مکان» نهفته است. اما کنی که از دیدگاه ادیان، مقدس شمرده می‌شوند، از لحاظ مکانی با جاهای دیگر تفاوتی ندارند، ولی در اینجا تجلی الوهیت، یا وقوع حادثه‌ای مرتبط با اعتقاد و باور مردم و یا ارتباط تنگاتنگ این مکان با شخصیتی دینی، آن را از اماکن دیگر متمایز می‌سازد و به آن قداست می‌بخشد.

همچنین اسرار آمیز و خوفناک بودن چنین مکان‌هایی، از عناصر قداست‌بخش آن است. پس انسان، مکان مقدس را، نه انتخاب، که کشف می‌کند.

انسان دین‌مدار بر مکان‌های مقدس، نگاهی متفاوت دارد و معمولاً آن را با سنگ‌چین‌ها یا خاربست‌هایی، از اماکن دیگر جدا می‌کند. این جداسازی، تنها

برای نشان دادن تقدس مکان نیست؛ بلکه آن نشانه‌ها و موانع موجب می‌شود که افراد بی‌توجه و بدون آمادگی وارد حریم آن نشوند؛ روشن است که ورود به صحن مقدسی، آداب ویژه و متعدد دارد. اهمیت آستانه خانه یا معبد نیز از همین جانشأت می‌گیرد.^۱

واژه مکان مقدس و سنت زیارت چنین جایگاهی، در طول تاریخ و در همه ملت‌ها وجود داشته است. زیارت اماکن مقدس، برای کسب منافع مادی، معنوی و اخلاقی صورت می‌گیرد؛ منافعی که از ناحیه قدسیت آن مکان برای شخص زائر حاصل می‌شود.^۲

حج در حقیقت این است که شخص از سرزمین خود، به طرف مکان مقدس یا معبدی مسافرت نماید. در این صورت، در مقابل زحمتی که متحمل شده، انتظار دارد که منافع مادی و معنوی بسیاری به دست آورد، از رفع مشکلات جسمی، تا حیات ابدی.^۳

در تمام ادیان قبیله‌ای، ملی یا جهانی، اماکن مقدس وجود داشته و زیارت آنها مرسوم بوده است. در خاور نزدیک از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، جایگاه‌های حج وجود داشته است؛ به خصوص در سرزمینهایی که دارای تمدن بوده‌اند.



نیپور^۴ در بابل و نینوا^۵ در عاشور، مراکز زیارتی بوده‌اند. از اوراق به دست آمده Mari نیز اینگونه برمی‌آید که در قرن ۱۸ قبل از میلاد، معبد سین^۶ در حاران و معبد بلیت اکاله^۷ در قاتنا^۸ از زیارتگاه‌های مشهور بوده‌اند.

در عصر برنز در معبد باثولتیس^۹ در بیلاس^{۱۰} هدایای بسیاری وجود داشت که از مصر آورده شده بود.

در میان سومریها معبد انلیل^{۱۱} که در نیپور واقع شده بود و در میان سامیها معبد اشتار^{۱۲} در نینوا شهرت داشت. بعد از سومر نیز، گذرگاه‌های مقدس به وجود آمد. بت‌های اساگیل^{۱۳} و ماردوک^{۱۴} هم بت‌هایی بوده‌اند که زائران برای زیارتشان راه‌های دور و نزدیک را می‌پیمودند.

در تاریخ چین کهن، اولین مراکز حج، پنج کوه بوده‌اند با نام‌های: سانگ‌شان^{۱۵}، تای‌شان^{۱۶}، هُواشان^{۱۷}، هنگ‌شان^{۱۸} و نونیاشان^{۱۹} که هم تائوئیست‌ها و هم بودائی‌ها بر فراز این کوه‌ها معابدی برای زیارت می‌ساختند و همین معابد بعدها از مراکز مهم حج برای پیروان این ادیان گردیدند.

علاوه بر این در آیین بودا، مراکز بزرگ و جدیدی برای حج به وجود آمد؛ معابدی که وقف بودا و بودائیان شده بود

و نامهایشان عبارت بود از: ووتای‌شان^{۲۰}، اومی‌شان^{۲۱}، پوتوشان^{۲۲}، چیوه‌واشان^{۲۳}. مهم‌ترین این معابد «وو تای شان» در شمال شرقی چین بود که پنج تپه را شامل می‌شد.

صدها سال است که نه تنها از چین، بلکه از ژاپن، مغولستان، مانچوریا، آسیای میانه و هندوستان، زائران بسیاری برای برپایی مراسم حج و ویژه بودائیان به این مکان می‌آیند.

در مراسمی که در پاییز برگزار می‌شود، حاجیان در حالی که لباس‌های زرد و قرمز بر تن دارند و چوب‌های بخور و کاسه‌ها را در دست گرفته‌اند، در گروه‌های ده تا پانزده نفری، بی‌صدا عبادت می‌کنند. (مدیتاسیون) تنها از گیاهان تغذیه می‌شوند، در طول این مسافرت طولانی، توبه می‌کنند و موقع رسیدن به محل حج، شست و شو می‌نمایند و وارد معبد می‌شوند. این عبادت و ریاضت، تا زمان برگشت به سرزمین‌های خود، ادامه می‌یابد.

عبادت حج در هندوئیسم نیز وجود دارد. همزمان با استیلای آریایی‌ها بر شبه جزیره هند، و ایجاد معابد هندوها، تعداد مکان‌های زیارتی بیشتر شده است. در قرون وسطی رفتن به سرزمین‌های دور به

قصه حج، مرسوم بوده است. در جنوب خلیج کومورین،^{۲۴} در شرق، اُرسیا،^{۲۵} در غرب کاتپاوار^{۲۶} و هیمالیا، مکان‌های حج محسوب می‌شده‌اند. زیرا محل عزلت‌گزینی روحانیون بوده‌اند.

در این حج، غسل و طواف از عناصر اصلی به شمار می‌آیند. در عقاید هندوئیسم، زیارت بنارس^{۲۷} و غسل در نهر گانژ،^{۲۸} حیات مجدد پس از مرگ و داخل شدن در زمره اهل سعادت را بشارت می‌دهد.

حج در بودیسم در مکان‌هایی انجام می‌شود که یادگارهای بودا را در خود دارند. یکی از میدان بودا به نام آناندا،^{۲۹} به سفارش بودا وظیفه داشت که پس از مرگ، خاکستر بدن او را در استوپا^{۳۰} (اماکنی که یادگارهای بودا در آن نگهداری می‌شود). مخفی کند. پس از مرگ بودا، خاکستر بدن او به هشت قسمت تقسیم شد، بعدها دو قسمت دیگر از آن نیز جدا شد و در ده استوپا نگهداری گردید.

سلطان آشوکا^{۳۱} این استوپاها را که به همان شکل حفظ شده بودند، باز کرد و خاکسترها را به ۴۸ قسمت تقسیم نمود (و در مکان‌های متعددی قرار داد).

غیر از خاکستر بدن بودا، آیین بودایی،

دو میراث دیگر هم از او دارد: یکی اشیایی که از او به جا مانده، مانند ظرف صدقه‌ای که از آن استفاده می‌کرده و جای پاها و نشانه‌هایی که از خود به جای گذاشته و دیگری مجسمه‌هایی که مانند ستوپاها یادآور بودا هستند، اما خاکسترهای بدن بودا را در خود ندارند.

در بودیسم، قدیمی‌ترین سندهای مربوط به حج، دستورات سلطان آشوکاست. آشوکا می‌گوید که در همین سال حکومتش، سفری برای یافتن حقیقت^{۳۲} انجام داده و به مکانی که بودا روشنایی کسب کرده، رفته است. یعنی به «بوده‌جایا».^{۳۳} از آن روز تا کنون بوده‌جایا مهم‌ترین جایگاه حج برای بودائیان بوده است.

مکان‌های دیگری که بودائیان به عنوان حج زیارت می‌کنند، عبارت‌اند از، سیدهارتهاگو تاما^{۳۴} در پنال (محل تولد بودا)^{۳۵} پارک گوزن^{۳۶} که در نزدیکی‌های بنارس واقع است. (بنارس اولین مکانی است که بودا در آن سخنرانی و موعظه کرده است) و کوشیگاراتا^{۳۷} در اوتارپرداش^{۳۸} که محل رسیدن به نیروانا^{۳۹} یعنی مرگ بودا می‌باشد.

ولی هیچ یک از این مکان‌ها برای بودایی‌ها جایگاه معنوی بوده‌جایا را



ندارد؛ زیرا بودها جایا ممثل زایش بودیسم است.

علاوه بر این از هندوستان تا سریلانکا هر چه که از بودا به جا مانده است و مکان‌هایی که معتقدند بودا آنها را زیارت کرده است، اکنون به عنوان مراکز حج بودایی شناخته می‌شوند.

کسانی که این مراکز را زیارت می‌کنند، سه دسته‌اند. گروه اول کسانی که می‌خواهند نیروی سحرآمیز موجود در این مکان‌ها را به دست آورند؛ گروه دوم کسانی که زیارت را مرحله‌ای برای رسیدن به بودا و راهی که به روشنایی می‌انجامد، می‌دانند؛ و گروه سوم آنان که می‌خواهند با این زیارت ارزش و اعتباری کسب کنند.

در این دنیا حجی که با رو آوردن به بودا آغاز می‌شود، با رسیدن انسان به درک صحیح^{۴۰} که همان حج درونی است، به بالاترین مرتبه خود می‌رسد.

در اعتقادات ژاپنی، کوه‌ها وطن خدایان هستند. بنابراین دامنه کوه‌ها صدها سال است که جزو مکان‌های زیارتی است. از هفت قرن پیش تا کنون دامنه کوه‌ها در میان بودائیان نیز به عنوان مکانهای حج زیارت شده است.

در رسوم ژاپن، مکان‌های متعددی

برای حج وجود دارد که متعلق به شینتوها و بودائی‌هاست. حج ژاپنی‌ها،^{۴۱} زیارت کردن منظم و متوالی مکان‌های زیارتی است که در بخش‌های مختلفی از کشور پراکنده‌اند.

نوعی حج هم وجود دارد که در آن تنها یک محل زیارت می‌شود.

معبدی که در ایسه واقع شده است، مرکز حج شینتوها می‌باشد. که برای والاترین خدای شینتوئیسیم زندگی می‌کنند.

در ادوار دینی مختلفی که تا قبل از روم هلنیست در مصر وجود داشت، عبادت حج همواره مرسوم بوده است. عمده‌ترین مکان‌های حج «ددو»^{۴۲} یا «بوسپریس»^{۴۳} (خانه اوسپریس) در دلتا و همچنین «بویاستیس»^{۴۴} در دلتا بود که معبد خدایان کله‌گربه‌ای در آنجا واقع شده است.

بنابر گفته هزدوت، شمار کسانی که برای عید بزرگ به بویاستیس می‌آمدند، بالغ بر هفتصد هزار نفر بوده است.

آبدیاس^{۴۵} یا آبدو^{۴۶}، در مصر فوقانی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر مکان‌ها برخوردار است. در این مکان که سر اوسپریس در آن واقع است، اسرار اوسپریس را جشن می‌گرفتند و اعتقاد

داشتند که با زیارت این مکان به سعادت
اخروی می‌رسند.

بعدها دشت آمون^{۴۷} - که امروز
سیوا^{۴۸} نامیده می‌شود - از مراکز مهم
حج گردید. در دوران پتولم‌ها^{۴۹} هم آیین
سرایس^{۵۰} رونق پیدا کرده بود و زیارتگاه
مفیس^{۵۱} اهمیت خاصی داشت.

در سوریه نیز بیلابس^{۵۲}، آفاکا^{۵۳}،
بعلبک، «هلیوپولیس تیر»^{۵۴} به خصوص
هیراپولیس^{۵۵} مهم‌ترین مراکز حج به شمار
می‌آمد. در دوران رومی‌ها، توریست‌های
بسیاری از کشورهای دور برای زیارت این
مکان‌ها می‌آمدند. هر کس که به زیارت
هیراپولیس می‌آمد، باید قبل از ورود به
شهر، برای زیارت حج، موها و ابروهایش
را کوتاه می‌کرد.

طواف کردن یک معبد یا سنگ
مقدس، در میان اعراب قبل از اسلام نیز
رایج بود. (DB، ۱، ۵۱۱).

تورات تمام مردان یهود را وادار
می‌کرد که هر سال سه بار در قدس،
بارگاه یحوه^{۵۶} حضور یابند. ^{۵۷} در سه
عید فسح (فتیر)، ^{۵۸} چاوت (هفته‌ها) ^{۵۹} و
سوکوت (سایبان‌ها). ^{۶۰}

در ساختار سنتی یهودیت، کلمه
hag، حج و عید دینی را به هم مرتبط
می‌ساخت. اعیاد مهم دینی با جایگاه‌های



حج در حقیقت این است که شخص از
سرزمین خود، به طرف مکان مقدس
یا معبدی مسافرت نماید. در این
صورت، در مقابل زحمتی که متحمل
شده، انتظار دارد که منافع مادی و
معنوی بسیاری به دست آورد، از رفع
مشکلات جسمی، تا حیات ابدی



عبادت مرتبط بودند و حاوی گردشگری مذهبی نیز بودند.

اساساً حج سنتی در زبان عربی Aliyyah Iregel (قدم زنان خارج شدن) نامگذاری می‌شود. حج از زمانی که یهودیان ملتی مستقل شدند، سازماندهی شد و از مردان خواسته شد که در سه عید به قدس بروند.

مکان‌هایی که در آیین یهود به عنوان حج زیارت می‌شوند، سه دسته‌اند:

۱) مکان‌هایی که در قدس و اطراف آن پدید آمده، صاحب ویژگی‌های تاریخی‌اند و در تاریخ کتاب مقدس ذکر شده‌اند.

۲) مقبره دانشمندانی که نام‌هایشان در تلمود و کابالا آمده و عموماً در جلیله واقع شده‌اند.

۳) مراکز مختلفی در اسرائیل که برای دانشمندان دیاس پورا^{۶۱} (محل‌های زندگی یهودیان خارج از فلسطین) و زاهدان نذر شده است.

مکان‌هایی که در عهد عتیق ذکر شده‌اند، بعدها برای شخصیت‌های مهم روی داده، نام برده شده‌اند. در زمان حضرت ابراهیم شکم،^{۶۲} بیت ایل،^{۶۳} حبرون یا مامده^{۶۴}، بیرشبا^{۶۵}، بیرلاهای روی؛^{۶۶} در زمان حضرت یعقوب پنیل،^{۶۷}

بیت ایل^{۶۸} و شکم از این مکان‌ها هستند. محل‌های نام برده، معمولاً مرتفع و دارای منابع آب بوده‌اند. از سوی دیگر محل دفن شخصیت‌های بزرگ چون حضرت ابراهیم، ساره، اسحاق و یعقوب نیز در حبرون زیارت می‌شد.

در دوران حاکمان بافتح کنعان، زندگی ثابت شروع شد. قربانگاه‌ها نقش‌های متنوعی را ایفا کردند و از لحاظ محلی و قبیله‌ای، بین اقوام مختلف، مکان‌های زیارتی متعددی ایجاد شد.

اما حج به معنای واقعی، اولین بار در سیلو^{۶۹} انجام شد. ۷۰ در سیلو که صندوق عهد هم در آن قرار داشت، هر سال عید رب جشن گرفته می‌شد. دختران جوان در باغ‌ها می‌رقصیدند و الکانا^{۷۱} هر سال برای قربانی به آنجا می‌رفت. ۷۲ عبادت در سیلو تا زمان تخریب آن به دست فلسطینی‌ها ادامه داشت. در دوران پادشاهی، دو گونه زیارتگاه وجود داشت. یکی قربانگاه بیت ایل و دان و دیگری قدس که هم صندوق عهد در آن قرار داشت و هم معبد بود.

پس از تکمیل معبد سلیمان نیز جشن سه عید آغاز شده است. ۷۳

سخنان پروبوآم^{۷۴} در زمینه حج نیز بر اهمیت معبد قدس تأکید دارد. ۷۵

کشش و جذابیت خاص قدس، و نیز

واکنش‌های پیامبران نسبت به قربانگاه‌های جدایی طلب، مهم‌ترین رویدادهایی بود که زمینه ساز مرکزیت عبادت گردید. ولی برای رسیدن به این هدف، وجود یک حاکم نیاز بود. به همین دلیل حزقیل از قرن هشتم به بعد مردم را برای جشن پرشکوه پاسکالیا^{۷۶} به قدس فراخواند.^{۷۷} رفرم اصلی بعد از یافتن تثنیه در سال ۶۲۱ از طرف پادشاه یوشیا^{۷۸} انجام شد. زیارت قدس بعد از تخریب معبد هم ادامه داشت.^{۷۹}

در یهودیت الوهیت^{۸۰} و یاهویست^{۸۱} که قوانین باستانی یهود را تعیین کرده بودند، بر ضرورت برپایی سه جشن تأکید می‌کردند: در سال سه بار باید برای من جشن (hag) بگیری. تمام مردان تو در طول سال باید سه بار در حضور رب (Yahava) حضور یابند.^{۸۲}

با اینکه فرمان انجام حج متوجه مردان بود، امام همان گونه که در زیارت سیلو تجلی یافته بود، رنگ خانوادگی به خود گرفته بود.

از میان سه عید یهود، مهم‌ترین آنها عید سوکوت بود. الکانا در این عید به سیلو می‌رفت. سوکوت تا زمان مورخ یهودی، جوزف، بزرگترین و مقدس‌ترین عید عبری‌ها بود. اساسی‌ترین مراسم این

جشن، برپا ساختن سایبان‌ها بود که در اواخر دوران اسارت مرسوم شده بود.^{۸۳} در این سه عید که حج هم برگزار می‌شد، از آنجا که دست خالی رفتن مناسب نبود، هر کسی بر اساس برکتی که خداوند به او عطا کرده بود، موظف بود به اندازه توانش هدیه‌ای برای معبد بیاورد. حجاج معمولاً هدایا را خودشان تهیه می‌کردند، فقط به نظر می‌رسد تدارک قربانی معبد، سازماندهی تجاری مشخصی داشته است.^{۸۴}

بعد از اشغال بابل، معبد بازسازی شد و حج سال ۵۱۵ با عید فسیح از سر گرفته شد.^{۸۵} جشن سوکوت باشکوه تمام برگزار شد.^{۸۶} به مرور زمان، چون ضوابط مربوط به حج و اهمیت رعایت آن نمایان‌تر شد، بعد تقوا در حج تجلی بیشتری یافت.^{۸۷} شکل حقوقی و کلی حج که در سفر خروج و تثنیه مطرح است، در میثنا به شیوه‌های سنتی با توضیح و تفصیل بیشتر بیان شده است.

حج تنها بر مردان واجب بود. زنان، اسرا، معلولین، نابینایان، بیماران، سالمندان، یتیمان و کودکان از این عبادت معاف بودند.^{۸۸} بر اساس آنچه در انجیل لوقا آمده است،^{۸۹} کودکان پس از رسیدن به ۱۲ سالگی و هنگامی که بتوانند از



مادرشان جدا شوند،^{۹۰} می‌توانند در این مسافرت شرکت کنند.

در این اعیاد، مردم از یک ماه قبل آموزش‌های لازم را می‌دیدند. پانزده روز مانده به عید، یک دهم گله‌ها جدا می‌شد، مالیات‌ها جمع‌آوری و در طول عید برای مصارف مشترک از خزانه معبد برداشته می‌شد. برای امنیت و دیگر ملزومات حجاج آمادگی‌های لازم را تدارک می‌دیدند. میداین و کوچه‌های شهر را آماده و خیابان‌ها را تعمیر می‌کردند. چاه‌ها لایروبی و پل‌ها مرمت می‌شد.

هفتاد سال پس از میلاد، بعد از تخریب معبد، مراسم حجی که مربوط به معبد بود، از بین رفت. اما زیارت ارض مقدس یهودیان ادامه داشت. خاطرات گذشته و آرزوی برگشت به آن سرزمین‌ها و قبور بزرگان یهودی در آن مکان‌ها، یهودیان را به آن سرزمین می‌کشید.

در قدس «دیوار گریه» که به اعتقاد آنها باقی مانده معبد سلیمان است، از مکان‌های مهم زیارتی شد. علاوه بر قدس، مکانهای زیارتی یهود از این قرار است: قبور: زبولوم^{۹۱} در سیدون،^{۹۲} رابی (خاخام؟) میر^{۹۳} در تیرریاس،^{۹۴} در مروم،^{۹۵} پیامبر هوشئا^{۹۶} در سادف،^{۹۷} بنی ساموئل در سامویل،^{۹۸} راحل^{۹۹} در



حج در بودیسم در مکان‌هایی انجام می‌شود که یادگارهای بودا را در خود دارند.

اصول و آداب حج یهودیان، توسط علمای یهود تثبیت شده و در میشنا بخش مستقلی را به خود اختصاص داده است.

حج در مسیحیت، گروهی و جمعی نیست، بلکه سفری است که انسان متدین برای رفع حوائج فردی خود به جا می‌آورد.



بیت اللحم، داوود در قدس، ناهوم^{۱۰۰} در اطراف موصل، عذرا در باسوراح^{۱۰۱} نزدیک کورنا،^{۱۰۲} حزقیل در بابل، دانیال در کرکوک، استرو^{۱۰۳} مورد کای^{۱۰۴} در همدان یرامیا^{۱۰۵} در فوستات^{۱۰۶} و غارایلیا در تپه کارمل.^{۱۰۷}

اصول و آداب حج یهودیان، توسط علمای یهود تثبیت شده و در میشنا بخش مستقلی را به خود اختصاص داده است. رابی یوهانان بن زکای^{۱۰۸} نیز حج را تشویق کرده است.

از آنجا که دیگر معبدی وجود نداشت، عمل قربانی کردن حذف شده بود، اما به اهمیت خود باقی بود. رابی گامالیل دوم، دعا برای تجدید قدس را نیز به مراسم افزوده بود.

در سال ۱۲۱۱، سیصد نفر از رابی های غربی برای مراسم حج به فلسطین آمدند. امروزه نیز در روزهای مشخصی، یهودیان این مکان ها را زیارت می کنند. اعتقاد آنان این است که این زیارت ها برایشان شانس می آورد و بدشانشی ها را از بین می برد.

از اعمالی که در مراکز حج انجام می شد می توان دعا، به جا آوردن نذر، نوشتن خواسته ها و آرزوها بر کاغذ و قرار دادن در این مکان ها و... را نام برد.

غیر از دیوار گریه و دیوار غربی معبد

سلیمان، زائران در سایر مراکز، از مقدسین التماس شفاعت و دعا می کنند.

در عهد جدید یهود، حج جایگاه مشخصی ندارد. بنابر انجیل لوقا حضرت مسیح تنها یکبار در عید برای حج به فلسطین رفته است.^{۱۰۹} ولی انجیل یوحنا می گوید حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام هر سال در این مراسم شرکت می کرده است.^{۱۱۰}

در باور مسیحیت، حضرت عیسی با آخرین سفرش به قدس، حج اسکاتولوژیکش^{۱۱۱} را به شهر خدا انجام داده و پادشاهی خدا را شروع کرده است.

مسیحیان اولیه نیز مانند یهودیان معبد قدس را زیارت می کردند.^{۱۱۲} با این حال کلیسا می خواست معبد تازه ای بسازد.

بنابر گزارش اپیفون،^{۱۱۳} در هنگام سفر پادشاه هادریانوس^{۱۱۴} در سال ۱۳۰، قدس ویرانه ای بیش نبود. تنها چند خانه، و یک کلیسای کوچک در نزدیکی محل تجمع شاگردان حضرت مسیح. (خانه ای که بعد از عروج مسیح به آسمان، آنجا جمع می شدند.) باقی مانده بود. این کلیسا بعدها کلیسای سیون^{۱۱۵} و زیارتگاه حاجیان مسیحی شد.

به گفته اوریگن^{۱۱۶} که از سال ۲۱۶ به بعد، عموماً در آن سرزمین ها حضور



داشته، غاری در بیت اللحم (محل تولد مسیح) و مکان به صلیب کشیده شدن آن حضرت در گولگوتا،^{۱۱۷} زیارتگاه مسیحیان بوده است.

در زمینه توسعه یافتن حج در قدس، بیش از انگیزه‌های دینی، تأثیر کنستانتین^{۱۱۸} اول مشهود است. او با ساختن کلیساهای متعدد در جابه‌جایی قدس، توجه مسیحیان بسیاری را به زیارت مکان‌های مقدس جلب کرد؛ مکان‌هایی که مسیح در آنها متولد شده، زندگی کرده، و به صلیب کشیده شده بود.

در کنار زیارت قدس، زیارت بارگاه‌ها و حتی راهبانی که در معابد زندگی می‌کردند، نوعی حج محسوب می‌شد. و همچنین زیارت کلیساهایی که بر قبور شهدا و اولیا بنا شده بودند.

پراکندگی خاستگاه‌های حج در مسیحیت شرقی از فلسطین، محل تولد و تبلیغ مسیح آغاز می‌شود و تا مصر، مهد زندگی عبادی عیسی عَلَيْهِ السَّلَام ادامه می‌یابد.

در یهودیت قدیم و دوران اولیة مسیحیت، معنی حج یکی بود. با این تفاوت که در بنی‌اسرائیل، زیارت این معبد، سه بار در سال اجباری بود، اما مسیحیان عقیده دارند که حضرت عیسی این کار را در آخرین سفر خود به این

معبد انجام داده است. بنابراین حج در مسیحیت، گروهی و جمعی نیست، بلکه سفری است که انسان متدین برای رفع حوائج فردی خود به جا می‌آورد.

در مسیحیت، حج، زمان مشخصی ندارد، اما عموماً این کار در سنین جوانی انجام می‌شود. کسی که به قدس می‌رسد، احساس می‌کند کار بزرگی در زندگی خود انجام داده است. وقتی به محل مرگ و حیات عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نگاه می‌کند، آرزو می‌کند که ای کاش او هم در همین مکان بمیرد.

در زبان ارمنی کلمه ماهدسی^{۱۱۹} به کسی گفته می‌شود که دیدن آتش روشن شده در قدس، در عید پاسکالیا، و مرگ را، همزمان تجربه کند. این کلمه به کسی که از حج قدس برگردد نیز اطلاق می‌شود.

حجاج روسیه کفش‌های سفید با خود به قدس می‌برند و در حالی که آنها را به خود بسته‌اند، در نهر اردن خود را شست و شو می‌دهند. نهر اردن همان جایی است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در آن غسل تعمید انجام داده است.

دیگر مسیحیان شرقی، کفن‌های سفیدشان را، روز جمعه، روز به صلیب کشیده شدن عیسی عَلَيْهِ السَّلَام روی قبر او



وسيله بیماری‌ها و ارواح خبیث را دور می‌کردند. ۱۲۱

قبور و کلیساهایی که تکه‌های بدن یا لباس اولیا (رلیک) ۱۲۲ در آنها باقی مانده نیز، در میان مسیحیان به عنوان مراکز معالجه، راهنمایی، مغفرت و هدایت به قصد حج زیارت می‌شود.

در دورانهای آغاز مسیحیت، مسیحیان فلسطین را مرکز امانت‌های بزرگ و مقدس می‌شناختند. این یک حقیقت تاریخی است که عیسی علیه السلام با فلسطین تماس فیزیکی داشته، در آن سرزمین زندگی کرده است. بر این اساس تمام مناطق، سرزمین‌های مقدس نامیده می‌شدند. البته نهر اردن که عیسی علیه السلام در آن غسل تعمید انجام داده و تپه‌های گولگوتا، محل به صلیب کشیده شدن حضرت (به اعتقاد مسیحیان) از قداست بیشتری برخوردار است.

در قرن چهارم بر اساس ادعاهایی که هلنا مادر کنستانتین مطرح نمود، شمار حاجیان فلسطین به طور چشمگیری افزایش یافت. او ادعا کرد که محل واقعی صلیب در خواب به او معرفی شده است و تکه‌هایی از صلیب را بر اساس آن رؤیا یافته است.

در آن دوران یادگار مهمی که حجاج

می‌گذارند.

حجاجی که گروهی به قدس می‌روند، در هنگام بازگشت به شکرانه این توفیق، در کلیسا به دعا می‌نشینند و هدایایی را که از قدس آورده‌اند، میان مردم پخش می‌کنند.

حج برای یک مسیحی نجات یافتن و تماس با یک موجود الهی است. او عقیده دارد که در حریم زیارتگاه حج، مورد عنایت یک نیروی فوق طبیعت قرار می‌گیرد. البته این عنایت ممکن است برای بعضیها قبل از رفتن به حج حاصل شود. در این صورت حج رفتن او، برای تقدیم شکرانه انجام می‌گردد.

پس حج مسیحی دو گونه است: یکی زیارت برای کسب لطف و عنایت و دیگری حج شکرگزاری و سپاس. اما در هر دو گونه، مهم نسبتی است که به واسطه اولیا، بین شخص و خدا به وجود می‌آید.

در عقاید مسیحی، پس از مرگ اولیا، حتی لباس‌هایی که با بدن آنها تماس داشته، مقدس می‌شوند. بنابر گفته عهد جدید، خدای عزیز، توسط پاولوس ۱۲۰ معجزات متعدد و متنوعی را به ظهور و بروز رسانده است تا حدی که برای شفای بیماران دستمال و لنگ‌هایی که با بدن او برخورد داشته می‌بردند و به این

در صورتی که جولای که در تقویم مسیحی متعلق به یعقوب مقدس است، مصادف با یکشنبه باشد، آن سال مقدس خواهد بود)

آنگونه که از شواهد به دست می‌آید، اولین مراکز حج در اروپا، قبوری است که در آن اشیا و بقایایی از اولیا بر جای مانده است. این گونه از عبادات تا قرن ۱۳ از طرف اسقف و بعدها از طرف پاپ مشروع شمرده شده است.

در میان این مکان‌های مقدس، مقبرهٔ پترس و قبر یعقوب در سانتاگو بیشترین تعداد زائران را دارد.

از قرن ۱۲ به بعد، دو گونه حج مربوط به حضرت مریم عليها السلام رواج یافت که تا امروز نیز مرسوم است: ۱. مکان‌های زیارتی که بر اساس احترام به یک مجسمه یا تابلوی معجزه‌آسا برپا شده است. به این مجسمه‌ها و تابلوها مریم مقدس سیاه هم گفته می‌شود. می‌توان گفت که سیاهی رنگ آن، به دلیل سالیان طولانی زیر خاک بودن (برای پنهان ماندن از دشمن) به وجود آمده است. آنان عقیده دارند مکان این مجسمه‌ها و تابلوها در رؤیا به یک کشیش یا راهبه یا یکی از مردم عادی معرفی شده است.

نمونه‌هایی از این مکان‌ها عبارت‌اند

رغبت بسیاری به آن نشان می‌دادند، سر حضرت یحیی بود که ادعا می‌شد در میان بقایای کاخ هرود ۱۲۳ پیدا شده است.

پس از فتح فلسطین به دست مسلمین، این بار مراکز حج مسیحی در اروپا به وجود آمد. چون در رم جسد دو حواری بزرگ، پترس و پاولوس و در اروپا جسد اولیایی که بر اثر فشار دستگاه حکومت بر مسیحیان شهید شده بودند، کشف شد. همین مسائل باعث جلب توجه بیشتر به این منطقه گردید.

در اسپانیا در سانتاگو دکومپوستلا ۱۲۴ قبری منسوب به حواری، یعقوب بزرگ، از مراکز مراسم حج به شمار می‌آمد. مردم بر این باور بودند که این حواری، پانزده قرن پس از کشته شدنش، در هنگام فتح دوبارهٔ شبه جزیرهٔ ایبویا در کنار کاتولیک‌ها در جنگ علیه مسلمین شرکت کرده است و بر اساس همین باور او را جلاد مسلمانان ۱۲۵ می‌نامیدند.

به کسانی که به مناسبت سال مقدس مراکز بزرگ مثل قدس، رم و سانتاگو دکومپوستلا را زیارت می‌کردند، از طرف کلیسا برگهٔ بخشودگی گناهان ۱۲۶ اعطا می‌شود. لذا در سال‌هایی که مقدس اعلام می‌شوند، شمار حجاج به شدت افزایش پیدا می‌کند. (مثلاً برای سانتاگو،

از: روکامادور ۱۲۷ و چارتزله پوی ۱۲۸ در فرانسه، گوادلوپ ۱۲۹ و مونترات ۱۳۰ در اسپانیا، ماریازل ۱۳۱ در اتریش، این سیلن ۱۳۲ در سوئیس و جز توچوا ۱۳۳ در لهستان.

این مناطق از قرون وسطی تا کنون زیارتگاه مسیحیان معتقد است.

۲. مکانهایی که حضرت مریم در آنجا دیده شده و به فردی که خود انتخاب کرده پیغامی داده است. دیده شدن حضرت مریم علیها السلام بیشتر در قرن های ۱۹ و ۲۰ اتفاق افتاده است. مهم ترین این مکانها عبارت اند از: رئودوباک ۱۳۴ در پاریس (۱۸۳۰) لاساتا ۱۳۵ در فرانسه (۱۸۴۶)، لوردس ۱۳۶ (۱۸۵۸)، پونتاین ۱۳۷ (۱۸۷۱)، بله وویسین ۱۳۸ فاطیما در پرتغال (۱۹۱۷)، بیورانگ ۱۳۹ و بانوکس ۱۴۰ در بلژیک. (۱۹۳۲).

یکی دیگر از مراکز زیارتی خانه ای است که در ناصره (Nazareth) که حضرت مریم علیها السلام در آن زندگی کرده است. به اعتقاد مسیحیان این خانه امروز در مکان های دیگری ظاهر شده است. آنان عقیده دارند ملائکه این خانه را جا به جا کرده اند و به ایتالیا در نزدیکی های آنکونا ۱۴۱ در لورتو ۱۴۲ و در انگلستان در نزدیکی نورفولک ۱۴۳ در والسینگهام ۱۴۴

آورده اند. (Hag house, Santa Case).

در گذشته مراسم حج مسیحیان، نوعی مجازات گناهکاران در این جهان شمرده می شد؛ یعنی فرد گناهکار کفاره ای می داد تا از گناهِش پاک شود. بر همین اساس هم در دورانی که وسایل نقلیه مدرن وجود نداشت، باید پیراهنی از مو بر تن می کردند و تا سانتیاگو پیاده می رفتند. این عمل جلوه ای از عذاب اعراف (Purgatory) شمرده شده است. امروزه با وجود امکانات و وسایل نقلیه، حج نمایی دسته جمعی یافته است.

در اروپای امروز بیشترین تعداد زائران لوردس در جنوب فرانسه می آیند. عقیده مسیحیان بر این است که شست و شو در نهر یا دوش های ویژه نصب شده در این محل، بیماری های لا علاج را شفا می دهد. زائران این مکان به مرز پنج میلیون نفر در سال می رسد.

مقام دوم را فاطیما در پرتغال با چهار میلیون زائر در سال به خود اختصاص داده است. رئو دوباک در پاریس هم سالانه یک میلیون زائر دارد. حج رم هم بیشتر در سال های مقدس انجام می شود.

در قاره آمریکا نیز مکان های زیادی برای حج کاتولیک ها وجود دارد.



بیشتر مراکز حج در دنیای نو، مرتبط با رؤیت حضرت مریم عَلَيْهَا است. مجسمه‌های زیارتی توسط مبلغان مذهبی یا افراد مرموز در مکانهای امروزی خود قرار داده شده‌اند.

در سرزمین‌های آناتولی نیز محل‌های زیارتی حج مسیحی وجود دارد. این مکان‌ها مربوط به تاریخ مسیحیت و شخصیت‌های مهم آن است. مکان‌هایی که پاولوس در مسیر مسافرت دینی خود طی کرده است، امروزه توسط مسیحیان زیارت می‌شوند از جمله انطاکیه. پاولوس، پترس و بارنابا مسیحیت را در این منطقه گسترش دادند.

در سال ۲۵۲ تا ۳۰۰ بعد از میلاد، در این شهر ده کلیسا ساخته شده و در مرحله اول کلیسای انطاکیه در میان پنج کلیسای بزرگ جای گرفته است.

مکان مقدس دیگر نیز افس ۱۴۸ است. پاولوس به قصد انتشار و تبلیغ مسیحیت در اینجا مانده، یوحنا، حواری بزرگ نیز در افس زندگی کرده و در آنجا دفن شده است. بعضی می‌گویند حضرت مریم عَلَيْهَا با یوحنا به اینجا آمده و زندگی کرده است، ولی این نظر ضعیف است.

خانه‌ای که در افس قرار دارد و منسوب به حضرت مریم عَلَيْهَا است،

قدیمی‌ترین مکان حج در اینجا احتمالاً مکانی است متعلق به حضرت مریم عَلَيْهَا که در جمهوری دومینکن در سانتوسرو ۱۴۵ واقع شده است. بر اساس نظر رایج کریستف کلمب به شکرانه پیروزی بر بومیان آمریکا، صلیبی را در این مکان نصب کرده بود. مهاجران و مبلغان دینی که به آمریکا آمدند، سنت حج را فراگیر نمودند.

مشهورترین مکان حج در دنیای نو، مکانی است با چهارده میلیون زائر در سال به نام نوسترا سنورا د گادالوپ. ۱۴۶ بر اساس اسطوره‌ها، در تاریخ نهم دسامبر ۱۵۳۱، مریم مقدس در منطقه‌ای به نام تپیاک ۱۴۷ در مکزیکوسیتی امروز، برای یک روستایی مکزیکی به نام جان ظهور کرده است.

آنچه سنت حج را در آمریکا شکل داده است، تفکر حج مهاجران این سرزمین است. مهاجرانی که از اسپانیا، پرتغال و فرانسه در قرن‌های شانزده و هفده میلادی به این قاره آمده بودند. با مهاجرت اهالی مناطق دیگر اروپا در قرن‌های ۱۹ و ۲۰، اختلافات بسیاری در مورد مراکز حج و بارگاه‌های زیارتی پیش آمد. در بعضی مناطق، به مکان‌های مقدس بومیان آمریکا نیز، رنگ و بوی مسیحی داده شد.

پی نوشتها

M. Eliade, Le Sacre et le profane. ۱
s.۲۵۲۶: a.mlf:traite a histo des
.religions. s.۳۱۵ _ ۳۱۸

DBS.۷,۵۶۷ ۲

ERE.۱۰,۱۲۳

Nippur ۴

Ninova ۵

Sin ۶

Belit _ Ekalli ۷

Qanta ۸

Baoltis ۹

Byblos ۱۰

Enlil. ۱۱

.Ishtar ۱۲

.Esagil ۱۳

Marduk ۱۴

Sung _ shan ۱۵

Tai _ shan ۱۶

Hua _ shan ۱۷

Heng _ shan ۱۸

Non _ ya _ shan ۱۹

Wu _ tai _ shan ۲۰

O _ mei _ shan ۲۱

Pu _ to _ shan ۲۲

Chiu _ hua _ shan ۲۳

Comorin ۲۴

Orissa ۲۵

Kathiavar ۲۶

Benares ۲۷

Ganj ۲۸

یکی از مکان‌های زیارتی حج به شمار
می‌آید. مسیحیان از آب مقدس این مکان
می‌نوشند و دعا می‌کنند.

پدر پُل ششم در سال ۱۹۶۷ و پاپ
ژان پل دوم در سال ۱۹۷۹ این مکان را
زیارت کرده‌اند. از سوی دیگر آنتالیا
(Demre) نیز به عنوان محل دفن سان
نیکلاس (بابانوئل) یا (Aya Nikola)
زیارت می‌شود.

در اینجا کلیسا هم وجود دارد که
متعلق است به اسقف دمره، میرا. در قرن
نهم استخوان‌های نیکلاس که در زمان
دیوکلت ۱۴۹ به قتل رسیده بود، از این
مکان به باری ۱۵۰ در ایتالیا منتقل شده
است. نیکلاس به عنوان حامی مقدس
دریاداران، کودکان و مردم روسیه، یونان
و سیسیل شناخته شده است.



Sukkot ۶۰	Anand ۲۹
Diaspora ۶۱	Stupa ۳۰
۱۲/۶ آفرینش ۶۲	Ashoka ۳۱
۱۲/۳ و ۱۲/۸ آفرینش ۶۳	dharmayatra ۳۲
۱۸/۱ و ۱۳/۱۸ آفرینش ۶۴	BodhGaya.Buddhu Gaya. ۳۳
۲۱/۳۳ آفرینش ۶۵	Bodhygaya
۳۰/۲۲ آفرینش ۶۶	Siddhartha Goutoma ۳۴
۳۰/۳۲ آفرینش ۶۷	Lumbuni . ۳۵
۱۵ _ ۶/۳۵ : ۲۲ _ ۱۶/۲۸ آفرینش ۶۸	isipatano ۳۶
Silo ۱	Kushinagara ۳۷
۲۱/۱۸ یسوع ۱/۱۸؛ حاکمها ۲۱/۱۸	Utar pradesh ۳۸
Eikana ۷۰	Nirvana ۳۹
۷۱ ساموئل ۱	Drahma ۴۰
۷۲ حاکمها اولیه (۲۵/۹)	Junrei ۴۱
Yeroboum ۷۳	Dedu ۴۲
۷۴ همان (۲۷/۹)	Busiris ۴۳
Paskalya یا fisih ۷۵	Bubiastis ۴۴
۷۶ پادشاهان دوم ۲۲/۲۳ و تاریخهای دوم	Abdias ۴۵
.۱۳/۳۰	Abdu ۴۶
Yoshiya ۷۷	Amon ۴۷
۷۸ یرمیا ۱۴/۱۵	Siya ۴۸
Elohist ۷۹	Ptolem ۴۹
Yahovist ۸۰	Serapis ۵۰
۸۱ خروج ۱۴/۲۳ _ ۱۷	Memphis ۵۱
۸۲ نهمیا ۱۷/۸	Biblos ۵۲
DBS. ۷۱۱.۵۸۷ ۸۳	Aphaka ۵۳
۸۴ عذرا ۱۹/۶	Heliopolis tyr ۵۴
۸۵ نهمیا ۸	Hiera polis ۵۵
۸۶ مزمورها ۱۳۴/۱۲۰	Yahve ۵۶
۸۷ میشنا، حقیقا ۱ و ۱	۵۷ (خروج ۲۳/۱۴، ۱۴، ۱۷، ۲۳/۱۴؛ ۳۴/۲۳)
۴۲/۲ ۸۸	(Fysyh (Paskalya ۵۸
۸۹ میشنا، سوکا ۱۱/۸	(Chavuat (Penteksat ۵۹



Relic ۱۱۹	Zebulum ۹۰
Herod ۱۲۰	Sidon ۹۱
Santiago de compostela ۱۲۱	Rabbimeir ۹۲
Mozlem salyer ۱۲۲	Tiberias ۹۳
Enduljans ۱۲۳	Merom ۹۴
Rocamadour ۱۲۴	Hoshea ۹۵
Chartes le puj ۱۲۵	Sadef ۹۶
Guadulup ۱۲۶	Samvil ۹۷
Monteserrat ۱۲۷	Rohel ۹۸
Moriazell ۱۲۸	Nahum ۹۹
Einsiedeln ۱۲۹	Bassorah ۱۰۰
Czestochowa ۱۳۰	Kurna ۱۰۱
Rue du Bac ۱۳۱	Ester ۱۰۲
La salette ۱۳۲	Mordekay ۱۰۳
lourdes ۱۳۳	Yeremya ۱۰۴
Pontmain ۱۳۴	Fustat ۱۰۵
Pelle voisin ۱۳۵	Karmel ۱۰۶
Beauraing ۱۳۶	Yohanan ben Zekka ۱۷
Banneux ۱۳۷	۱۰۷ متا، ۱۷ _ ۱۵ _ ۱۱ _ ۲۱/۱ و مارکوس،
Ancona ۱۳۸	۱۰ _ ۱۱/۱ و لوقا ۲۸/۱۹ _ ۴۰.
Loreto ۱۳۹	۱۰۸ _ ۲/۱۳ _ ۶/۴ _ ۱۰/۲۲ _ ۱۱/۵۵.
Norfolk ۱۴۰	eskatolojik ۱۰۹
Walsingharm ۱۴۱	۱۱۰ امور رسل، ۴۲/۵ و ۱/۳.
Santo corro ۱۴۲	Epiphone ۱۱۱
Nuestra Senora de Gua dalupe ۱۴۳	Hadrianus ۱۱۲
Tepeyak ۱۴۴	Sion ۱۱۳
Efes ۱۴۵	Origene ۱۱۴
Dioclet ۱۴۶	Golgotha ۱۱۵
Bari ۱۴۷	Konstantin ۷
	Mahdesi ۱۱۶
	paulos ۱۱۷
	۱۱۸ امور رسل، ۱۲/۱۹.